

## بربط:



یا عود سازی زهی است که در خاورمیانه و کشورهای عربی رایج است و از قدیمی‌ترین سازهای شرقی و ایرانی به شمار می‌رود. این ساز در حقیقت نوعی سمبل تاریخی برای سازهای ایرانی است.

## تاریخچه بربط:

از آنجا که پیشینه این ساز به ۱۹۷۰ سال پیش از میلاد مسیح بازمی‌گردد، می‌توان آن را از اصیل‌ترین سازهای موسیقی ایران زمین به شمار آورد. آثار باستانی میان‌رودان متعلق به هزاره دوم پیش از میلاد، نگاره مردی ایستاده را نشان می‌دهد که به نواختن بربط مشغول است.

در حقیقت سومری‌های باستان نخستین مردمی هستند که در آثار به جای مانده از آن‌ها ردپایی از این ساز در دیده می‌شود. ساز عود در ایران پیش از اسلام به نام بربط شناخته می‌شد و پس از سومری‌ها و در دوران هخامنشیان رواج داشته‌است. این ساز در عهد ساسانی بیش از همه ادوار رواج داشته‌است.

گویا در اوایل اسلام به کشورهای عربی راه یافته و جانشین سازی به نام «مزهر» شده است. بر پایه برخی از اسناد «ابن سربیح ایرانی نژاد» نخستین کسی است که در عربستان و در قرن یکم هجری عود فارسی یا بربط را نواخته و نوازندگی آن را آموزش داده‌است. الاغانی می‌گوید: آشنایی او با عود از آنجا شروع شد که «عبدالله ابن زبیر» جمعی از ایرانیان را به مکه دعوت کرده بود تا خانه کعبه را تعمیر کنند. دیوارگران ایرانی عود می‌زدند و اهل مکه از ساز و موسیقی ایشان لذت می‌بردند و آن را تحسین می‌کردند، ابن سربیح پس به عود زدن پرداخت و در این صنعت سرآمد هنرمندان زمان گشت.

## و اما عود

«مجلس شعر» در دربار اندلس

چون سطح ساز بربط از چوب پوشیده شده بود، اعراب آن را عود نامیدند. (العود در زبان عربی به معنای چوب است)

بربط امروزه نقش بسیار کمتری در موسیقی ایرانی دارد. عود عربی بر خلاف بربط ایرانی از اصلی‌ترین سازهای موسیقی عربی است. این ساز پس از اینکه به اروپا برده شد، نام لوت بر آن نهادند. واژه لوت از نگارش کلمه‌ی العود به وجود آمده و به تدریج به لوت تبدیل شده است. ابن خلدون در قرن ۸ هجری قمری آن را به ترکیه‌های چوبینی که انعطاف‌پذیر است معنی نموده.

خود کلمه‌ی بربط در واقع از دو کلمه‌ی "بر" و "بط" ساخته شده یعنی "مانند بط" و بط به معنی مرغابی است. در کل شکل این ساز به مرغابی تشبیه شده چون سینه‌ی جلو داده و گردن کوچکی دارد.

اصولاً بربط یا همان عود در اندازه‌های مختلف ساخته می‌شود که اندازه متداول و معمول همان عودهای ساخت ایران است. نمونه‌های ساخت کشورهای عربی دارای کاسه‌ای بزرگ و عودهای ترکیه کوچک و عودهای ایرانی متوسط است.

## انواع بربط

در قدیم بربط را دو نوع به حساب می‌آوردند: یکی بربط با کاسه بزرگ و دسته کوتاه و دیگر با کاسه کوچک اما دسته بزرگ. امروز به اشتباه ساز دسته بلند را بربط و ساز دسته کوچک را عود می‌نامند. در حالی که اینگونه نیست و براساس تحقیقاتی که انجام شده توسط استاد سیگارچی هر دو عود یا همان بربط هستند و از یک ساختمان صدایی برخوردارند.

## ساختار بربط

شکم این ساز بسیار بزرگ و گلابی شکل و دسته آن بسیار کوتاه است. به طوری که قسمت اعظم طول سیم‌ها در امتداد شکم قرار گرفته است. سطح رویی شکم از جنس چوب است که بر آن پنجره‌هایی مشبک ایجاد شده است. عود فاقد «دستان» است و خرک ساز کوتاه و تا اندازه‌ای کشیده است. عود دارای ده سیم یا ۵ سیم جفتی است البته در برخی مواقع استادان قالب شکنی کرده و دو یا یک سیم در قسمت پایین قبل از سیم دو به ساز اضافه می‌کنند که این سیم‌ها فا زیر کوک می‌شود. سیم‌های جفت با هم همصدا (کوک) می‌شوند و هر یک از سیم‌های دهگانه، یک گوشی مخصوص به خود دارد؛ گوشی‌ها در دو طرف جعبه گوشی (سر ساز) قرار گرفته‌اند.

عود بجزترین ساز بین سازهای زهی است؛ نت نویسی آن با کلید سل است (در واقع نت نویسی آن با توجه به وسعت و بمی صدای ساز بر اساس کلید فا می‌باشد که برای سهولت نت خوانی و نوازندگی يك اکتاو بالاتر نوشته میشود) که جمعا دو اکتاو است. «اکتاو» بجزتر از نت نوشته شده حاصل می‌شود. سیم بم (سُل پائین) معمولاً نقش «واخوان» دارد و گاه این سیم جفت نیست.

صدای عود به نحوی است که صدای اکتاو چهارم پیانو از راست به چپ برابری دارد و در اصل باید عود را با کلید «فا» نواخت یعنی صدای اصلی عود یک اکتاو پایین‌تر از آن است که امروز متداول شده‌است .

مضرب عود از پر مرغ (یا پر طاووس و شاه‌پر عقابو حتی پر لاشخور ) تهیه شده‌است و گاه نیز نوازنده با مضرب دیگری ساز را می‌نوازد. نوازنده‌های امروزی از مضرب‌های پلاستیکی استفاده می‌کنند.

صدای عود بم، نرم و در عین حال گرم و جذاب و نسبتاً قوی است. این ساز نقش تکنواز و هم‌نواز هر دو را به خوبی می‌تواند ایفا کند. همانگونه که مستحضرید بریت صدایی بم و تا حدودی تو دماغی دارد که دلیل آن نوع زه (سیم) ساز و عدم وجود پرده بندی (مانند ویلن) روی دسته ی ساز است. پرده بندی موسیقی ایرانی بخوبی روی این ساز قابل بیان است.

### احیاء عود (عود معاصر)

با تشکیل هنرستان عالی موسیقی در پنجاه سال پیش، استادانی چون اکبر محسنی، قاموسی و منصور نریمان که اکثرشان سه‌تار می‌نواختند، سعی کردند با تهیه عود و هم‌نوازی آهنگ‌های پخش شده از رادیوهای عربی، شیوه صحیح نواختن عود را یاد بگیرند و به این ترتیب عود در عصر معاصر دوباره احیا شد.

### عود نوازهای معروف جهان

ساز عود در یکصد سال اخیر کاملاً در قبضه عرب‌ها و به‌خصوص مصری‌ها بوده است. از جمله نوازندگان معروف این ساز منیر بشیر (عراقی) است. در کنار او می‌توان به نام‌هایی چون ریاض سنباطی، فرید الاطرش، ناصر شمه و انور براهم اشاره کرد.

### عود نوازان معروف ایران

در ایران نیز پس از احیای ساز عود تلاش‌های مثمرتری صورت گرفت. از جمله عود نوازان معروف می‌توان به منصور نریمان، حسن منوچهری، محمود رحمانی پور، اکبر محسنی و عبدالوهاب شهیدی اشاره کرد. در سال‌های اخیر هم که استادان دیگری به این جمع اضافه شدند و اکثر از کسانی هستند که در نواختن ساز عود نوآوری‌هایی داشتند، از جمله این افراد ارسلان کامکار، حسین بهروزی‌نیا، محمد فیروزی و جمال جهانشاه هستند. از عود نوازان معروف خطه جنوب استادانی مانند علی محبوب، علی میرشکال، محمد رفیع اشعری، محمد منصور وزیری از جزیره قشم و حسین وفادار از بندر عباس می‌باشند. از عود نوازان معاصر ایران می‌توان به

شاهین علوی اشاره کرد که تبحر خاصی در نواختن این ساز دارند. ایشان این ساز را پس از کسب استادی در نواختن گیتار فلامنکو انتخاب و به تبحر رسیدند

### عودسازان ایران

محمد رفیع اشعری هم اکنون بهترین عود ساز ایران می باشد و به اعتقاد بسیاری بهترین عود نواز ایران البته عودسازانی مانند برادران محمدی ، محمد اژدری ، عرفاتی ، مانی جفرودی ، عابدینی، ملکشاهی و نریمان آبنوسی نیز در ساخت عود تبحر دارند و باعث رواج بیشتر این ساز اصالتاً ایرانی شده اند.

هم چنین ابراهیم قنبری مهر با ایجاد تغییراتی در ساختار عود عربی از جمله کوچک تر کردن کاسه و بلند تر کردن دسته به قالب جدیدی دست یافته و نام آن را پریت گذاشته است. این تغییرات مورد استقبال نوازندگانی چون حسین بهروزی نیا قرار گرفته است.

بسیاری از دیگر سازندگان این ساز نیز به تجربیاتی در تغییر ساختار فیزیکی عود رسیده اند.

### در ادبیات

حافظ می فرماید:

گنجی و فراغتی و یک شیشه می  
منت نبریم یک جو از حاتم طی

با شاهد شوخ و شنگ و بابرط و نی  
چون گرم شود زباده ما را رگ و پی

خیام می فرماید:

من هیچ ندانم که مرا آن که سرشت  
جامی و بتی و بریطی بر لب کشت  
از اهل بهشت کرد یا دوزخ زشت  
این هر سه مرا نقد و ترا نسیه بهشت



منبع ويكيپيا